

منشاء عروض فارسی

در دوران اخیر همواره نزد ادبا و مستشرقان این بحث مطرح بوده است که منشاء عروض فارسی چیست. برخی معتقد بوده‌اند که منشاء عروض فارسی همان عروض عربی است و برخی دیگر (مخصوصاً مستشرقان) ابراز عقیده کرده‌اند که منشاء این عروض به اشعار قبل از اسلام ایران می‌رسد. و البته هیچ دسته برهان قاطع یا حتی مقننی در اثبات عقیده خود ارائه نکرده‌اند. اما این بحث در میان قدما ابداً مطرح نبوده است و گویی بر آنان مسلم بود (بدون این که دلیلی داشته باشند) که عروض فارسی همان (یا مقتبس از) عروض عربی است که به وسیلهٔ خلیل بن احمد بنیاد نهاده شده است. و تازه در این که آیا خود خلیل مبدع این علم بوده است یا خیر نیز هیچ‌کس جز ابوریحان بیرونی شک نکرده است^۱ و البته این قسمت به بحث ما مربوط نمی‌شود. این‌جانب با مطالعاتی که در نظام هجائی زبان‌های عربی و فارسی کرده‌ام عقیده دارم که منشاء عروض فارسی همان نظام عروض عربی است و امیدوارم با موازین علمی‌یی که در این مقالهٔ مختصر ارائه خواهد شد بتوانم عقیدهٔ خود را به اثبات برسانم.

عروض و زبان

عروض هر زبانی مبتنی بر مشخصات زبانشناختی (واک، تکواژ، هجا، تکیه، زیر و بمی و غیره) همان زبان است. شعر عربی و فارسی، هر دو کمی پوده و بر مبنای هجاهای کوتاه و بلند تقطیع می‌شوند؛ از این رو ما هجاهای زبان فارسی و هجاهای زبان عربی را استخراج کرده با هجاهای معمول در عروض می‌سنجیم تا ببینیم چه نتیجه‌یی بدست می‌آید.

هجاهای زبان فارسی

در زبان فارسی شش‌نوع هجا وجود دارد^۲ برای نشان دادن طرح این هجاها، از علامت C برای صامت و V برای مصوت کوتاه و \checkmark برای مصوت بلند استفاده می‌کنیم.

na	نه	
ke	که	۱- صامت + مصوت کوتاه
to	تو	CV

mā	ما	
mi	می	۲- صامت + مصوت بلند
mu	مو	Cv
sar	سر	
del	دل	۳- صامت + مصوت کوتاه + صامت
por	پر	CVC
kār	کار	
riz	ریز	۴- صامت + مصوت بلند + صامت
mur	مور	CVCC
kard	کرد	
zest	زشت	۵- صامت + مصوت کوتاه + دو صامت
mord	مرد	CVCCC
kārd	کارد	
bist	بیست	۶- صامت + مصوت بلند + دو صامت
duxt	دوخت	CVCCC

بر هر يك از این شش نوع هجا می توان به اندازه يك صامت افزود، در این صورت دو هجای جدید ایجاد می شود: یکی هجای CVCCC (لطفش) و دیگری هجای CVCCCC (کاردش و هجای دوم پنهانست). هیچ يك از این دو هجا در فارسی معمول نیست و معمولاً در تلفظ لغات بیگانه دیده می شود:

۱- هجای CVCCC : فولکس (واگن) folks ، تمبر tambr

۲- هجای CVCCC : (ژان پل) سارتر Särtr ، لوستر Lustr

فارسی زبانان به طور طبیعی از استعمال این دو هجا پرهیز دارند و معمولاً آن ها را به هجاهای متعارف تبدیل یا تقسیم می کنند و از این رو فولکس را به صورت fo-Leks و تمبر را به صورت Tamr و سارتر را به صورت Särtr و لوستر را به صورت Lus-Ter تلفظ می کنند.

هجاهای معمول در عروض

از شش نوع هجای یادشده، فقط سه هجای CV و Cv و CVC در عروض مستعمل است و از سه هجای دیگر زبان فقط در صورتی در عروض استفاده می شود که در آن ها دخل و تصرفی اعمال گردیده به این سه نوع هجای عروضی تبدیل گردند. درست در همین جاست که می توان منطقاً از خودسئوال کرد که چرا عروض يك زبان که با کلمات آن زبان و در نتیجه با هجاهای آن زبان سروکار دارد فقط می تواند بعضی از هجاها را به طور طبیعی به کارگیرد و از هجاهای دیگر (هنگامی که به صورت طبیعی و کامل خود

هستند) نمی‌تواند استفاده کند؟

هجاهای زبان عربی

در زبان عربی فقط سه نوع هجا داریم؟ و این سه نوع هجا درست همان سه نوع هجائی است که در عروض (فارسی و عربی) مستعمل است:

	ca	(ra)	هجای آخر تمام افعال ماضی چون امر
CV	ce	(be)	ب مثلاً در بیدک
	co	(do)	هجای آخر تمام افعال مضارع چون یعید
	cā		هجای اول کلمات بر وزن فاعل مثل خالق و
Cv	ci		هجای اول آدم
	cu		فی، و هجای دوم حدیث
			هجای اول اوف، هجای دوم قبور
CVC	cae		هجای آخر کتاباً
	cec		هجای آخر کتاب
	coc		هجای آخر کتاب

نتیجه

عروض فقط همین سه نوع هجای زبان عربی را به کار می‌برد، پس معلوم است که عروض در اصل طبیعی زبان عربی است و چون کاملاً مبتنی بر دستگاه هجائی زبان عربی است، پس در اصل برای همان زبان وضع شده است. اما هنگامی که فارسی زبانان شروع به استفاده از این دستگاه کردند به طور طبیعی این مسأله پیش آمده که برخی از هجاهای زبان فارسی در این دستگاه جائی ندارد. با آن هجاهای اضافی خاص زبان فارسی که بنیان بسیاری از کلمات بر آن‌ها استوار است به طریقی زیر رفتار شد:

۱- کلمات مبتنی بر هجای CVc مثل کار، پیر، پور را در تقطیع عیناً مانند کلمات عربی معرب و متحرک الاواخر محسوب داشتند، یعنی مثلاً کار، پیر، پور در نظر گرفتند تا در نتیجه به دو هجای CV و CV تقسیم شود که در عربی موجود است.^۴

برو کار می‌کن مگوچیست کار که سرمایه جاودانی است کار

ملك الشعراء بهار

که باید خواند: برو کار می‌کن...

۲- کلمات مبتنی بر هیجان CVCC مثل کرد، زشت، برد را نیز عیناً مانند لغات عربی متحرک در نظر گرفتند یعنی در شعر برد یا برد یا برد خواندند تا در تقطیع به هجاهای CV و CV تقسیم شود که در عربی مرسومند.

از صد هزار مرد، یکی مرد مردنی:

شاکر بخاری.

که باید خواند: از صد هزار مرد و یکی...

۳- اما کلمات مبتنی بر هجای CvCC مثل داشت، بیست، پوست را عوض تجزیه، مخفف کردند یعنی صامت آخر آن را در نظر نگرفتند (دش، بیس، پوس) تا تبدیل به هجای CvC شده و سپس به هجاهای معمول در عربی قابل تجزیه گردد. یعنی مثلاً بتوان داش و یا داش یاداش خواند.

داشت عباسقلی خان پسری پسر بی ادب و بی هنری

ایرج میرزا

که باید خواند: داش و عباسقلی خان...

سر زلف تونه مشکست و به مشک ناب ماند رخ روشن توای دوست به آفتاب ماند

فرخی سیستانی

که باید خواند: ... ای دوس و به آفتاب ماند.

جز یکی دختر عزیز مرا نیست و بسیار هست چیز مرا

هفت پیکر نظامی

که باید خواند: نیس و بسیار....

پس بسیار روشن است که دستگاه عروض فارسی همان دستگاه عروض عربی است زیرا چنانکه ملاحظه شد این دستگاه فقط هجاهای زبان عربی را به کار می‌گیرد و برخی از هجاهای زبان فارسی به‌طور کامل و طبیعی در این دستگاه نمی‌گنجند. اما این‌که بعدها در عمل چه فرقه‌هایی بین این دو عروض پیدا شد و شعر فارسی در قالب عروض عربی چه راه‌هایی پیمود و موارد تساوی و تشابه و تفارق کجاهاست، بحث مستقل مفصلی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی حواشی

- ۱- بنا به عقیده او (تحقیق ماللهند، چاپ زاخانو، ص ۶۵) خلیل‌بن احمد محتملاً به میانی عروض هندی توجه داشته است. رك: وزن شعر فارسی - خانلری - ۱۳۴۵ - ص ۸۵.
- ۲- رك: میانی زبان‌شناسی - ابوالحسن نجفی - دانشگاه آزاد - اسفند ۱۳۵۸ - ص ۴۵.
- ۳- بدیع و قافیه - سیروس شمیسا - وزارت آموزش و پرورش - مهر ۱۳۵۹ - ص ۳۶.
- ۴- این‌جانب از مطالعات زبان‌شناسان عرب در باب فونولوژی زبان عربی بی‌خبرم؛ اما بنا استقراء در متون عربی مصوت‌ها (کوتاه و بلند و مرکب) و هجاهای آن زبان را به‌طور تفصیل استخراج و تدوین کرده‌ام که ارائه آن‌ها با نمونه‌های کافی و بحث‌های تحلیلی محتاج به مقاله مفصلی است.
- ۴- البته بدیهی است که قدما بر مبنای ساکن و متحرك تقطیع می‌کردند نه هجا ولی نتیجه یکی است. در اینجا مراد رفتار طبیعی اهم زبان با زبان است.
- ۵- زیرا این هجا به هیچ نحو در دستگاه عروض عربی جا نمی‌گیرد. یعنی حتی اگر کلمات عربی را در حالت وقف (مبنی بر سکون) هم در نظر بگیریم هرگز به چنین هجائی یعنی به ترادف

دو صامت بعد از مصوت بلند برخورد نخواهیم کرد. حال آن که در مورد آن دو نوع هجای دیگر یعنی CVCCVC و CVCCVC چنین نیست و اگر کلمات عربی را در حالت وقف یعنی به صورت مبنی به سکون تصور کنیم می‌توانیم به چنین هجاهائی برخورد نمائیم؛ چنان که بسیاری از کلمات متحرک عربی که علی‌القاعده در فارسی به صورت مبنی به سکون تلفظ می‌شوند دارای چنین هجاهایی هستند:

۱- هجای CVC : ماء، هجای دوم بطیء یا بطوع.

۲- هجای VCC : قرد، قتل، نکس.

گفتن ندارد که تلفظ این کلمات و اصولاً همه کلمات (جز مواردی مانند افعال مجزوم و کلمات مبنی بر سکون و امثال آنها) در عربی به شرایط نحوی به حرکت آخر است.

کتابفروشی تاریخ

فروشگاه متون فارسی و کتابهای مربوط
به تحقیقات ادبی و تاریخی و چاپهای قدیمی



خیابان انقلاب، روبروی سینما دیانا، ساختمان فروردین،
طبقه دوم - تلفن ۶۴۶۴۲۶